

بررسی جنگ نرم در آیات قرآن

* صمد عبدالله عابد

** فاطمه وجدى

چکیده

جنگ نرم از جمله مباحثی است که قرآن کریم در آیات مختلف بدان پرداخته است. چنان‌که بخشی از آیات قرآن بیانگر آن است که دستگاه‌های ظالم و به ظاهر قدرتمندی چون نمرود و فرعون از این شیوه برای مقابله با پیامبران الهی حضرت ابراهیم علیه السلام و موسی علیه السلام استفاده می‌کردند. طراحان جنگ نرم با سرمایه‌گذاری بر افکار و اندیشه‌ها، آسان‌تر و با شتاب بیشتر به اهداف و نتایج دست می‌یابند. ضمن اینکه این روش، هزینه‌های جنگ سخت را ندارد و چهره خشن متجاوزان، در قالب دوستی و خبرخواهی، در پس پرده حجاب قرار می‌گیرد. قرآن کریم جلوه‌های گوناگون جنگ نرم را از طریق داستان‌های انبیا و رخدادهای عصر پیامبر اکرم صلوات الله علیه و آمين بیان نموده است. از جمله این روش‌ها می‌توان به استهzae و تحکیر مظاهر دینی در قالب شوخی، تفرقه‌افکنی به نام استقلال‌طلبی، پخش شایعات به نام روشنگری و تضعیف رهبری با تهمت زدن و تحکیر نمودن اشاره نمود. تمسک به تعالیم دینی و اطاعت از رهبران آسمانی، بصیرت، صبر و تقوا، راهکارهای قرآنی مقابله با نبرد روانی دشمن است.

واژگان کلیدی

جنگ‌افروزی دشمنان، جنگ روانی، جنگ نرم، قدرت نرم، راهکارهای مقابله.

s1.abdollahi@yahoo.com

akram_vajdi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۲/۵

*. دانشیار دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

**. کارشناس ارشد دانشگاه تربیت معلم آذربایجان.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۱۰/۵

طرح مسئله

یکی از مسائل مهم دنیای اسلام، جنگ روانی دشمنان علیه دین است. شناخت دشمن و آگاهی از شگردهای گوناگون جنگ روانی آنان، نیاز اساسی جامعه است تا هر یک از آحاد و مسئولین جامعه اسلامی با شناخت دقیق مؤلفه‌ها و شگردهای این نبرد، بتوانند تاکتیک مناسب در برابر آن را به کار گیرند. قرآن کریم در عصر جاهلیت نازل شده و کفار و منافقان عصر نزول برای مقابله با اسلام از هیچ کوششی دریغ نورزیده‌اند، از این‌رو قرآن کریم صحنه‌های جنگ روانی و نرم دشمنان اسلام را به خوبی ترسیم نموده است. از نگاه آیات قرآن شیوه‌های جنگ نرم دشمن چیست؟ راهکارهای مقابله با نقشه‌های آنان کدام است؟ با چه نیرویی می‌توان در برابر دشمنی مخالفان مقابله کرد؟

مقدمه

نگاهی به تاریخ، این حقیقت را به زیبایی نشان می‌دهد که همواره میان حق و باطل درگیری بوده است. این جنگ براساس موقعیت‌های زمانی و مکانی و شرایط فرهنگی و علمی تغییر شکل داده است. هر نظام سیاسی چه به حق باشد یا باطل، دارای اصول و مبانی است که اگر این اصول تغییر کند، آن نظام به نظام دیگری تبدیل می‌شود و دیگر عنوان اولیه بر آن صدق نخواهد کرد. از جمله این اصول می‌توان به ایدئولوژی، فرهنگ، هویت ملی و ... اشاره نمود. سرنگونی نظام دارای باورهای دینی و فرهنگ غنی، جز با جنگ نرم میسر نمی‌باشد؛ زیرا اولاً: جنگ سخت با مقاومت همه جانبه توده‌های مردم مواجه می‌شود؛ اما در جنگ نرم به دلیل مخفیانه بودن و نیز استفاده از قالب‌های هنری و زیباشناختی چندان مقاومتی در مقابل مهاجمان صورت نمی‌گیرد. ثانیاً: میزان تأثیرگذاری در جنگ نرم در همه سطوح و لایه‌های اجتماعی است. از این‌رو به دلیل ناآگاهی و غیرمسلح بودن اکثر افراد جامعه، احتمال موفقیت دشمن در این عرصه نسبت به میدان جنگ سخت، بیشتر است.

قرآن کریم به دلیل اهمیت فراوان این موضوع، در آیات بسیاری بدان پرداخته است. البته در آیات قرآن واژه خاصی که به معنای دقیق جنگ نرم باشد، وجود ندارد؛ اما کلمه «فتنه» ناظر بر این نوع مبارزه است که اهمیت آن از جنگ نظامی بیشتر است؛ چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید: «وَالْفَتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ؛ فَتَهْمِمُ الْفَتْنَةُ الْقَتْلَ بَدْرَهُ». (بقره / ۱۹۱) تقابل «فتنه» و «قتل» در آیه شریفه، بیانگر خطروناک‌تر بودن تهاجم فرهنگی و جنگ نرم نسبت به جنگ‌های سخت است. بهویژه در فتنه‌های اعتقادی و دینی که باورهای مردم با ترفندهای گوناگون شیطانی تضعیف می‌شود.

مفهوم‌شناسی

جنگ سخت: نوعی اعمال قدرت سخت است و قدرت سخت عبارت است از فشارهای نظامی و اقتصادی ملموس برای وادار کردن دیگران به تغییر موضع. (اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۷)

جنگ نرم: در برابر جنگ سخت شامل هرگونه اقدام روانی و تبلیغات رسانه‌ای می‌شود که جامعه یا گروه هدف را نشانه می‌گیرد و بدون درگیری نظامی و گشوده شدن آتش، رقیب را به انفعال یا شکست وامی دارد. (همان: ۵۹)

قدرت نرم: مفهوم جدیدی است که در دهه اخیر به وجود آمده است. در این نوع قدرت، مخاطب نه از روی اکراه؛ بلکه با رضایتمندی، به خواسته قدرتمند، تن می‌دهد. در قدرت نرم، بر «ذهن‌ها» سرمایه‌گذاری می‌شود و با تغییر در «ذهنیت‌ها» نوعی «عینیت مجازی» تولید می‌شود؛ نوعی اثر روانی با تبلیغات متنوع رسانه‌ای که موجب حصول رعب ذهنی از امکانات دشمن یا ساختن تصویر اغراق‌آمیز از او می‌شود. (برزوئی، ۱۳۸۷ / ۲۹۴) به نظر می‌رسد که بین قدرت نرم و جنگ نرم، عموم و خصوص مطلق جاری است؛ به‌گونه‌ای که هر قدرت نرمی لزوماً به جنگ نرم و یا سخت منتهی نمی‌شود و چه‌بسا در حالت بازدارندگی خود باقی بماند. آیه «وَاعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال / ۶۰) بیانگر این نوع از مقابله است؛ ولی جنگ نرم هرچند به مقابله نظامی اطلاق نمی‌شود؛ ولی از تبلیغات و ابزارهای مربوط به آن، برای نفوذ در مختصات فکری دشمن با توصل به شیوه‌هایی که موجب پیشرفت مقاصد امنیت ملی مجری می‌شود، استفاده می‌کند.

آتش‌افروزان جنگ نرم از نظر قرآن

در نبرد ناپیدایی جنگ نرم در یک سو، مؤمنان الهی و در سوی دیگر دشمنان دین خدا قرار دارند. عدم شناخت چهره دشمنان الهی توسط مسلمانان ممکن است آنان را در دام خود گرفتار کنند. شناخت دشمن در جنگ سخت، بسیار آسان است. او با صدای بلند و بدون واهمه خود را به عنوان دشمن معرفی می‌کند و با تمام قوا به جنگ آمده است و انسان می‌داند با چه کسی طرف است؛ اما در جنگ نرم، دشمن در قالب دوست و خیرخواه و با لطایف الحیل ظاهر می‌شود؛ چنان‌که قرآن در مورد شیطان می‌فرماید: «او قسم خورد که من برای شما دو نفر (آدم و حوا) از خیر خواهانم.» (اعراف / ۲۱) از این‌رو شناسایی دشمن در جنگ نرم بسیار مهم است. قرآن، دشمنان مؤمنین را این‌گونه معرفی فرموده است:

۱. شیطان

قرآن درباره شیطان می‌فرماید: «إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلنَّاسِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ؛ هُمَا شِيَطَانٌ بِرَأْيِ انسَانٍ دَشْمَنٌ آشْكَارٌ أَسْتٌ». (یوسف / ۵) امام علیؑ نیز می‌فرماید: «شیطان راه‌های خود را به شما آسان جلوه می‌دهد، تا گره‌های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید.» (نهج البالاغه: خطبه ۱۲۱) و باز شدن هر گره، به همان اندازه انسان را از دین خدا و فطرت الهی خویش جدا می‌گرداند تا جایی که رابطه وی با دین الهی قطع می‌شود؛ یعنی دیگر چیزی در درون او وجود ندارد تا قلبًا به آن تممسک جوید. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۲: ۱۰۱)

۲. کافران

قرآن درباره کفار می‌فرماید: «مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِّلَّهِ وَ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ وَ جِبْرِيلَ وَ مِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِّلْكَافِرِينَ»؛ (بقره / ۹۸) خدا از آن جهت دشمن کافران است که آنها همواره با دین خدا دشمنی می‌کنند و در راه خدا ایجاد مانع می‌کنند (انفال / ۳۶) و برای نابودی حق می‌کوشند (کهف / ۵۶) و سعی می‌کنند اهل حق را از حق رویگردان کنند. (نساء / ۸۹)

۳. یهود و مشرکان

قرآن در آیه ۸۲ سوره مائدہ درباره این دو گروه می‌فرماید: «تَحْمِدَنَ أَشَدَّ النَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ آمَنُوا إِلَيْهِمْ وَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا؛ مُسْلِمًا يَهُودِيًّا وَ كُسَانِيًّا که شرک ورزیدند را دشمن ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت.» ادامه دشمنی آنان در قرون متتمادی نسبت به مسلمانان و حتی مسیحیان، شاهد محکمی بر صدق این مدعاست. گرچه خطاب این آیه با پیامبر ﷺ است؛ اما پوشیده نیست که آیه در مقام بیان قانون و ضابطه‌ای کلی است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶: ۸۰)

۴. منافقان

منافقان خطرناک‌ترین دشمنان اسلام هستند. بسیاری از جلوه‌های جنگ نرم مثل تحقیر مؤمنان (هود / ۲۷)، ایجاد جنگ روانی (احزاب / ۱۳)، افساد در پوشش اصلاح (بقره / ۱۱)، دروغ‌گویی (منافقون / ۱)، وعده‌های دروغین (توبه / ۷۷) و تضعیف باورهای دینی (احزاب / ۱۲) توسط منافقین اجرا می‌شود. نفاق، در جایی است که مسلمانان دارای قدرت باشند و مخالف به خاطر ترس نتوانند اظهار مخالفت کنند. در این هنگام، مخالفان نفاق را در پیش می‌گیرند و خلاف آنچه را در دل دارند، اخهار می‌نمایند و چنین شرایطی برای مسلمانان در مدینه فراهم گردید. این افراد بدترین دشمن هستند که انسان او را دوست خود می‌پندارد. اما بیشترین عداوت را در حق انسان انجام می‌دهند. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۱: ۲۸۰)

شیوه‌ها و ابزارهای جنگ نرم

عملیات روانی دشمن، با شیوه‌های گوناگون انجام می‌گیرد که آشنایی با آنها ما را در رویارویی با فتنه‌ها یاری می‌دهد. قرآن و معصومین ﷺ، این فتنه‌ها و راههای مقابله با آنها را معرفی کرده‌اند. در آیات بسیاری به‌دلیل بیان روش دشمن، بلافاصله راه مقابله با آن نیز بیان شده است که از آن جمله موارد ذیل است:

۱. تمسخر و استهزا

تمسخر و استهزا از مهم‌ترین عملیات روانی دشمن است که از ابتدای مبارزه حق و باطل بوده است. تمسخر موجب تضعیف روحیه شخص یا گروه می‌شود و چنانچه افراد، ضعیف باشند آنان را از ادامه راه منحرف می‌کند. دشمنان نه تنها به تمسخر اصول اسلام می‌پردازند، بلکه جزئیات احکام را نیز مسخره می‌کنند؛ چنان که قرآن می‌فرماید:

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَنْ إِذَا سَمِعْتُمْ آيَاتَ اللَّهِ يُكَفَّرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَقْتُدُوا مَهْمَمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعاً. (نساء / ۱۴۰)

خدادر کتاب خود بر شما نازل کرد که چون شنیدید بر آیات خدا کفر ورزیده شده و استهزا شده، با آن گروه (منافق) مجالست نکنید تا در سخن دیگری وارد شوند و گرنه شما هم مانند آنان هستید. خدا منافقان و کافران را در جهنم جمع خواهد کرد.

این آیه بیانگر آن است که گروهی به جمع مسلمانان داخل شده و به تمسخر آیات و احکام دین می‌پردازند و می‌گویند: این فقط یک شوخی است! قرآن در این باره می‌فرماید:

وَلَئِنْ سَأَلْتُهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَحْوَنُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبَاللَّهِ وَآيَاتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ شَسْتَهْزِءُونَ. (توبه / ۶۵)

و اگر از ایشان بپرسی چرا استهزا می‌کنید؟ پاسخ می‌دهند ما به مزاح و مطاببه سخن راندیم. (ای رسول) بگو آیا خدا و آیات او و رسول او را تمسخر می‌کنید؟

قرآن با ظرافت ویژه‌ای به بیان انواع استهزا به عنوان یک عملیات روانی طراحی شده می‌پردازد که گاهی به صورت تمسخر پیامبران یا سخنان آنان و یا تمسخر آیات الهی می‌باشد و گاهی به صورت تمسخر یاران پیامبران جهت پراکندن آنان از اطراف انبیا بوده است و در برخی مواقع بی‌شرمی را به نهایت می‌رسانند و خدا را نیز مورد تمسخر قرار می‌دهند.

۲. تضییف رهبری

با توجه به نقش رهبری در جامعه، دشمنان همواره رهبری جامعه اسلامی را مورد حمله قرار داده‌اند. نمونه رهبری حق، انبیا و بعد از ختم نبوت، ائمه^{علیهم السلام} و در حال حاضر ولایت فقیه است. افزون بر کشنیدن پیامبران (آل عمران / ۲۱) همواره نبرد نرم با انبیا و جانشینان آنان در طول تاریخ بوده است. اهمیت رهبری در جامعه تا آنجاست که قرآن، وقتی مردم را در مورد ترک نماز جمعه سرزنش می‌کند خطاب به آنان می‌فرماید: «تَوْكُوكَ قَاتِلًا»؛ (جمعه / ۱۱) یعنی زشتی کار آنها در این است که رهبری جامعه را ترک کرده و به دنبال مسائل دیگر می‌روند؛ نمی‌گوید نماز جمعه را ترک می‌کنند و ثواب آن را از دست می‌دهند. رهبران حق و باطل نقش مهمی در هدایت طرفدارانشان دارند تا جایی که اگر کشته یا تخریب شخصیت شوند، جبهه حق یا باطل فرو می‌پاشد یا حداقل بخش مهمی از توان خود را از دست می‌دهد. این نکته به ظرافت در قرآن بیان شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفَّرِ» (توبه / ۱۲) رهبری در حکم نخ تسبیح است که دانه‌ها را گرد می‌آورد؛ چنان‌که نخ پاره شود، دانه‌ها پراکنده می‌شوند. رهبری عامل وحدت و هوشیاری است که تضییفش به روش‌های مختلفی انجام می‌پذیرد:

الف) تهمت زدن به رهبر

از شیوه‌های رایج دشمنان جهت تخریب رهبران آسمانی، تهمت زدن به آنان بوده است؛ چنان‌که قرآن در مورد تهمت زدن به حضرت نوح^{علیه السلام} می‌فرماید:

فَقَالَ الْمَلَأُ اللَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَنْتَصِرَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً مَا سَمِعْتُمْ بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلَيْنَ * إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فَتَرَبَّصُوا بِهِ حَتَّىٰ جِينٍ. (مؤمنون / ۲۴ - ۲۵)

asherاف قوم نوح که کافر بودند، گفتند: این شخص جز بشری مانند شما نیست که می‌خواهد بر شما برتری یابد و اگر خدا می‌خواست [رسولی بفرستد] فرشتگانی می‌فرستاد. ما چنین چیزی هرگز از پدران پیشین خود نشنیده‌ایم. او مرد دیوانه‌ای بیش نیست».

در این آیات افزون بر تهمت جنون، گروهی از کفار حضرت نوح^{علیه السلام} را بشری مانند سایرین معرفی می‌کنند که می‌خواهد بر دیگران برتری جوید.

نسبت دیوانگی به پیامبران از تهمت‌های رایج بوده است چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَقَاتُلُوا مُجْنَّنُونَ وَأَزْدُجُر؛ (قمر / ۹) و گفتند: مردی دیوانه است و باز داشته شده»؛ «ازْدُجَر» یعنی او را با دشنام

رانند. (سیوطی، ۱۴۱۶ / ۱) حضرت هود^{علیه السلام} را سفیه و جزء دروغ‌گویان دانستند: «قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظَرْنَا مِنَ الْكَاذِبِينَ». (اعراف / ۶۶)

مستکبران تاریخ به انبیا تهمت فسادانگیزی می‌زند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «فرعون گفت: بگذارید موسی را به قتل برسانم و او خدای خود را به باری طلبد. می‌ترسم آین شما را تغیر دهد و یا در این سرزمهین فسادانگیزی کند.» (غافر / ۲۶) اتهام آواره ساختن مردم از سرزمهینشان به قصد حکومت بر آنها نیز از روش‌های جنگ نرم مستکبران علیه پیامبران بوده است؛ چنان‌که قرآن از زبان آنان می‌فرماید: «قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمٍ فَرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسَاحِرٌ عَلَيْهِمْ * يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِنْ أَرْضِكُمْ». (اعراف / ۱۱۰ - ۱۰۹)

تضییف پیامبر اسلام^{صلی الله علیه و آله و سلم} از طریق تهمت‌های ناروا مطلبی است که قرآن مکرر بدان اشاره کرده و می‌فرماید: «آنان گفتنند: اصلاً آن را بر باfte است؛ نه بلکه او شاعر است» (انبیاء / ۵) یا ایشان را کاهن و مجنون می‌خوانند که خدای متعال از ایشان رفع تهمت فرمود: «خلق را تذکر ده که تو به برکت نعمت پروردگار نه کاهن هستی و نه مجنون» (طور / ۲۹) «کاهن» کسی است که از طریق به خدمت گرفتن جن از غیب آگاه می‌شود. (طوسی، بی‌تا: ۹ / ۴۱۲)

دشمنان برای تضعیف پیامبر اسلام^{صلی الله علیه و آله و سلم} ایشان را فربیکار معرفی می‌کنند که وعده‌های باطل می‌دهد: «وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» (احزان / ۱۲) گفته شده منظور از این وعده‌هایی که منافقین آن را فریب می‌دانند، وعده الهی از پیروزی و اعتلای دین بوده است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ / ۴: ۱۶۹)

ب) تلاش در تحقیر نمودن رهبر

دشمنان اسلام برای معرفی پیامبر^{صلی الله علیه و آله و سلم} عبارت «وَإِذَا شَتَّلَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا بَيَّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَنْ يَصْدُكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آباؤُكُمْ؟» (سبأ / ۴۳) را به کار می‌برند تا نبوت ایشان را زیر سوال برده و قرآن را کلام یک فرد عادی قلمداد کنند. (ص / ۸) در سوره هود، ضمن بیان برخورد مخالفان با شعیب^{علیه السلام} به این نکته اشاره می‌فرماید تا پیروان رهبران آسمانی در طول تاریخ متوجه حرکت موزیانه دشمنان جهت تضعیف رهبران آسمانی باشند. در آیات ۸۷ تا ۹۳ سوره هود گفتوگوی حضرت شعیب با مخالفان را می‌آورد که در آن، دشمنان از اهرم تمسخر و تحقیر جهت تضعیف آن حضرت استفاده می‌کردند. در آیه ۸۷ آمده است:

قَالُوا يَا شَعِيبُ أَ صَلَاثُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ تَثْرُكَ مَا يَعْبُدُ آباؤُنَا أَوْ أَنْ تَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ
إِلَكَ لَأَنَّ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ.

گفتند: ای شعیب! آیا نماز تو، تو را مامور می‌کند که آنچه را پدرانمان می‌پرستیدند
ترک کنیم، یا در اموالمان به دلخواه خود تصرف نکنیم؟ البته تو مردی بردبار و
فهمیده هستی.

طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد:

این آیه به روش تهکم و استهزا است. گویا نماز، شعیب را به سمت از بین بردن قوم
برده است. منظورشان اهانت به شعیب بود و می‌خواستند بگویند: تو کم خردی.
(طبرسی، ۱۳۷۲ / ۵ : ۲۸۶)

ج) تلاش برای گمراه نمودن رهبر

دشمنان همواره تلاش می‌کردند تا بر افکار پیامبران تأثیر گذارند و آنان را گمراه یا حداقل به سازش
متمايل سازند. اين روش نيز نوعی تضعيف رهبری بدون به کارگيری سلاح گرم می‌باشد که نتيجه
آن، تسلیم رهبری و پیروان او بدون درگیری نظامی است. کافران در مسیر اين هدف تا جایی پيش
می‌روند که پیامبر را از آخرت غافل سازند و به تعیيت از هواي نفس وادراند (طه / ۱۶)؛ ولی به فضل
و رحمت الهی نقشه آنها بر باد رفت و نتوانستند هیچ ضرری به حضرت بزنند. (نساء / ۱۱۳) اين خطر
چنان جدي است که خداوند به رهبری مانند پیامبر ﷺ، يادآوري می‌نماید که از خدا بترسد و از
منافقان و کافران اطاعت ننماید. (احزاب / ۱)

۳. شایعه‌پراكنی

از مهم‌ترین حربه‌ها در جنگ نرم، شایعه‌سازی و شایعه‌پراكنی می‌باشد که همواره مورد توجه
مخالفان بوده است. سطحی نگری و زودباوری عوام در انتشار سریع شایعات نقش بسیار مهمی دارد.
عموم مردم خیلی زود آنچه را که می‌شنوند، باور می‌کنند و بدون بررسی به دیگران انتقال می‌دهند.
دشمنان از این نقطه ضعف استفاده کرده و با شایعه‌سازی، سعی در تغییر افکار جامعه و بدین نمودن
آنها می‌کنند و گاهی چنان در این امر موفق می‌شوند که مسائل روشن را نیز با شایعه‌پراكنی بر مردم
مشتبه می‌نمایند. معمولاً شایعه را دشمن سفارش و منافقین تولید می‌کنند و افراد ساده‌لوح آن را
می‌پذیرند. نمونه‌ای از شایعات زمان پیامبر ﷺ، شایعه کشته شدن پیامبر در جنگ احد است. قرآن
کريم برای ختنی کردن این شایعه می‌فرماید: «آیا اگر او نیز به مرگ یا شهادت درگذرد، به دین
جاھلیت رجوع خواهید کرد؟» (آل عمران / ۱۴۴)

پخش شایعه در زمان پیامبر ﷺ نیز چنان مطرح بود که خدا با نزول آیات ۶۰ و ۶۱ سوره احزاب آنان را تهدید کرده و ملعون می‌شمارد تا جامعه با دید عمیق‌تری با این افراد مواجه گردند. در این سوره آمده است:

لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ وَالْمُرْجُفُونَ فِي الْمَدِينَةِ لَئِنْفِرَيْنَكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاهِرُونَكَ فِيهَا إِلَّا قَلِيلًا * مَعْوِنِينَ أَيْمَانًا ثُقِفُوا أَخِدُوا وَ قُتِلُوا ثُقِتِيلًا

اگر منافقان و آنان که در دل‌هایشان مرضی است و آنان که در مدینه شایعه پخش می‌کنند، از کار خود دست نکشند، تو را بر آنان برمی‌انگیزیم و مسلط می‌گردانیم، سپس جز اندک زمانی با تو در این شهر زندگی نتوانند کنند و از همه جا طرد می‌شوند، هر جا یافته شوند، گرفتار خواهند شد، و به سختی به قتل می‌رسند.

«مُرْجِفُونَ» از ریشه «ارجاف» در اصل به مفهوم ایجاد تزلزل و اضطراب در دریا است؛ اما منظور در این آیه، پخش امواج باطل و شایعه است که افکار را پریشان و دل‌ها را نگران و مردم را مضطرب می‌سازد. (طبری، ۱۳۷۲ / ۸ : ۵۷۸) اینان گروهی از منافقان بودند که در شکل دوست، به پخش شایعاتی درباره هجوم قریب الوقوع دشمن یا بزرگ نمودن قدرت پوشالی آن و یا امید کاذب دادن به اسیران کفر و شرک می‌پرداختند و به سود آنان تلاش احمقانه می‌کردند و بذر نگرانی را میان زنان و کودکان می‌انداختند. (همان)

۴. تفرقه افکنی

از روش‌های معمول دشمنان، ایجاد فتنه با تفرقه افکنی در جامعه است. جنگ‌های داخلی، اختلاف‌های خطی، حزبی، طایفه‌ای، سیاسی، دینی و مذهبی، جامعه را در تنفس قرار می‌دهد و فرصتی برای دشمنان به وجود می‌آورد تا سرمایه‌های دینی و ملی و اقتصادی ملت‌ها را به تاراج بزند.

این امر آن قدر مهم است که گاهی «فتنه» را متراوف با «تفرقه افکنی» معنا می‌کنند؛ چنان‌که ابن‌منظور در بیان معنای فتنه - به مفهوم جنگ و درگیری - به حدیث پیامبر ﷺ استناد می‌کند که فرمود:

من فتنه‌ها را در میان خانه‌هایتان می‌بینم؛ این فتنه‌ها، کشتارها، درگیری‌ها و اختلافی خواهد بود که بین مسلمان‌ها پدید می‌آید؛ زمانی که گروه گروه شوند و هر کدام به دنبال حزب و جماعتی روند، زمانی است که مسلمانان با جلوه‌ها و کشش‌های دنیاگی مورد آزمایش قرار می‌گیرند و از آخرت و عمل برای آن باز می‌مانند. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ / ۱۳ : ۳۱۹)

از نمونه‌های بارز تفرقه‌افکنی در زمان پیامبر ﷺ، ساختن «مسجد ضرار» است. قرآن کریم، از مسجد ضرار که به زیان اسلام، به نفع کفر و به نیت تفرقه انداختن بین مسلمین ساخته شده بود، سخن می‌گوید. (توبه / ۱۰۷) فرد مورد اشاره در آیه، «ابوعامر راهب» آن عنصر جاهطلب است. او به طرفداران خویش پیام داد که آماده پیکار با محمد ﷺ شوید و مسجدی به عنوان مرکز اجتماع خود بسازید که من نیز بهسوی امپراطور روم رفته با سپاهی عظیم خواهم آمد تا محمد ﷺ را از مدینه بیرون کنیم. (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۵)

ایجاد اختلاف‌های مذهبی، از اهداف تفرقه‌افکنان بوده که گاهی به اختلاف‌های مذهبی موجود در میان مؤمنان، دامن می‌زندند و آن را وسیله دور شدن افراد از یکدیگر قرار می‌دادند تا بتوانند در سایه این اختلاف‌ها و کشمکش‌ها، اصل دین آسمانی را نابود سازند. گاهی جامعه اسلامی بدون توجه به خواست دشمن، به خاطر هوایپرستی عده‌ای، دچار فتنه تفرقه می‌گردد. در این موارد، دشمن از بیرون، فتنه را سازماندهی می‌کند. در قرآن کریم آمده است:

وَ أَتُقْوِيْ فِتْنَةً لَا تُصِيبِنَ اللَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً وَ اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. (انفال / ۲۵)

بترسید از بلایی که (چون باید) تنها مخصوص ستمنکاران شما نباشد و بدانید که خدا سخت عقاب است.

قرآن کریم در این آیه جامعه اسلامی را پرهیز می‌دهد از فتنه‌هایی که بلای آن فقط دامن گروه خاصی را نمی‌گیرد؛ بلکه بر همگان فرود خواهد آمد؛ مانند فتنه‌های گروهی که با بهانه‌ها و انگیزه‌های متفاوت میان مردم اتفاق می‌افتد؛ از قبیل کشمکش‌های حزبی برای دستیابی به موقعیت‌های سیاسی و یا اختلاف‌ها و دسته‌بندی‌های فرقه‌ای و گروه‌بندی‌های جناحی و سیاسی و مانند اینها که باعث می‌شود بدعت‌ها رواج یابد و در امر مبارزه با دشمنان، سستی ایجاد شود، منکرات گسترش یابد و امر به معروف کمرنگ شود. (مراغی، بی‌تا: ۱۸۸ / ۹)

۵. تهدید و ارعاب

یکی از حریبه‌های دشمنان اسلام تهدید است که امروزه نیز از آن برای به استضاعف کشاندن ملت‌ها استفاده می‌شود و از دیرباز در برابر انبیا و صالحان تاریخ به شیوه‌های گوناگون مورد استفاده قرار می‌گفته است:

الف) تهدید به تبعید و آوارگی

قرآن کریم می‌فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَتُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ لَتَعُودُنَّ فِي مِلَّتِنَا. (ابراهیم / ۱۳)

کافران به رسولانشان گفتند: دست از این دعوی بردارید و گرنه شما را از شهر خود بیرون می کنیم، مگر اینکه به آیین ما برگردید.

نیز قرآن در آیه دیگری می فرماید: «می گویند: اگر به مدینه مراجعت کردیم باید [اربابان] عزت و ثروت، خوارشده‌گان را از شهر بیرون کنند». (منافقون / ۸)

ب) تهدید به قتل و مثله شدن

فرعون ساحران را بعد از ایمان آوردنشان به حضرت موسی ﷺ تهدید به قتل و مثله شدن نمود تا از طریق این تهدید آنان را مطیع خود سازد و از ایمانشان برگرداند؛ چنان که قرآن کریم از زبان او می فرماید:

لَأُقْطِعَنَّ أَيْدِيكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ ثُمَّ لَأُحَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ. (اعراف / ۱۲۴)
حتماً دست هایتان و پاهایتان را خلاف یکدیگر قطع خواهم کرد. سپس همه شما را به دار خواهم کشید.

در این آیه تهدید به قتل از سوی دشمنان به بدترین شکل ممکن؛ یعنی تکه تکه کردن و سپس کشتن آمده است. این جمله تنها خبر دادن از آینده نبود؛ بلکه عملیات جنگ روانی به واسطه تهدید به عذاب و مثله کردن بود تا برگردند و تسلیم شوند. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۰ / ۲۱)

ج) تهدید به زندان

فرعون که نمونه باز مستکبران تاریخ است، حضرت موسی ﷺ را تهدید به زندان نموده (شعراء / ۲۹)
آن هم زندان در آن زمان که وضعیت بسیار هولناکی داشت. عادت فرعونیان طوری بود که هرگاه می خواستند کسی را زندانی کنند او را به درون چاهی عمیق می انداختند. از این رو او در تنها یابی می ماند؛ نه چیزی می شنید و نه چیزی می دید. (حائری، ۱۳۷۷: ۸ / ۴۴)

۶. به کارگیری مکر و نیرنگ

زیربنای فعالیت‌های روانی دشمن، مکر و حیله است. از همان ابتدای آفرینش، شیطان با مکر و حیله به سراغ حضرت آدم و حوا ﷺ رفت و با نقشه‌ای از پیش تعیین شده در فریب آنها کوشید. جبهه باطل، نه در منطق و استدلال و نه در سایر میدان‌ها، حرفى برای گفتن ندارد؛ از این رو می کوشد با مکر و حیله به اهداف خود برسد و مخاطب را در یک فضای روانی مخالف با آنچه واقعیت دارد، سوق دهد و این فضای روانی باستی به گونه‌ای ساخته و پرداخته شود تا مفاهیم و علائم انتقالی با کمترین

مقاومت مورد پذیرش واقع شود. از نظر روان‌شناسی، فردی که در حال مبارزه با حریف یا دشمن است، همواره رفتارهای او را رصد می‌کند؛ زیرا احساسش آن است که هر لحظه از سوی دشمن در معرض خطر است. تمام هنر تاکتیک فریب، شکستن این هوشیاری روانی در برابر حریف است. بدینهی است این عمل از ظرافت و دقت خاصی برخوردار است و بستگی زیادی به تجربه و شناخت فریب‌دهنده از گروه هدف دارد. (متفکر، ۱۳۸۷: ۱۵۳)

یکی از حیله‌های نمود - مخالف حضرت ابراهیم علیه السلام - آن بود که دستور داد کاخی بلند بنا کنند تا بر بالای آن رود و با آسمانیان پیکار نماید. پس از بنای کاخ، خداوند تندبادی فرستاد و بخش فوقانی کاخ به دریا افکنده شد و بقیه کاخ نیز بر سر تیهکاران ویران گشت. (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۶ / ۵۵) در این نوع از جنگ نرم، هدف دشمن فریب توده‌های ناآگاه است؛ زیرا افراد آگاه و با بصیرت می‌دانند که هرگز نمی‌توان با ساختن کاخ و رفتن به آسمان، با اهل آسمان جنگید و این عمل تنها یک فریب است ولی مردم عوام که اطلاع کافی از مسائل ندارند، به راحتی فریفته می‌شوند. اگر قرآن مکر و حیله در برابر نوح علیه السلام را با تعبیر «و مکروا مکراً کباراً» (نوح / ۲۲) به کار می‌برد، حیله‌های دشمنان اسلام بهقدری زیاد بود که قرآن از آنها به «مکر شبانه‌روزی» تعبیر می‌نماید. (سبا / ۳۳)

الف) فریب با نفرین

قرآن در سوره انفال می‌فرماید:

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ اثْبِتْنَا
بعدَابِ الْيَمِّ. (انفال / ۳۲)

و چون گفتند: «خدایا! اگر این (قرآن به راستی) همان حق از جانب تو است، پس (در این حال) بر سرمان سنگ‌هایی از آسمان باران یا ما را به عذابی دردناک گرفتار ساز.

در اینجا افراد لجوج در برابر هدایت‌گری پیامبر علیه السلام و حقانیت قرآن و معارف آن برای عوام‌فریبی مردم نفرین می‌کنند، به زعم آنکه چنین نفرینی محقق نمی‌شود. و از خداوند عذابی را درخواست می‌کنند که شاید از نظر مردم بدترین نوع عذابی است که می‌تواند بدون مقدمه بر کسی نازل شود و این عذاب در صورت تحقیق، مسلماً دلیل بر حقانیت طرف مقابل اöst؛ چنان‌که علامه طباطبایی در این‌باره می‌نویسد:

اگر در میان همه اقسام عذاب الیم، فقط سنگ باران را ذکر کردند برای این بود که در این عذاب جسم و روح با هم معذب می‌شوند و شخص ذلیل می‌گردد.
(طباطبایی، ۱۴۱۷: ۶۷)

آوردن جمله «أَوِ اتَّبَعْتُم بَعْدَ أَلْيَمْ» مکر دیگری است؛ یعنی هر عذابی که می‌خواهی بگو تا بر ما نازل شود و ما آنقدر به حقانیت خود اطمینان داریم که هر نوع عذابی را بر خود طلب می‌کنیم و خواهید دید که هیچ عذابی بر ما نازل نخواهد شد.

ب) فریب با تحریف کلمات

علی‌رغم اینکه علمای یهود در کتاب آسمانی خود، با ویژگی‌های پیامبر اسلام ﷺ آشنا شده بودند، با مکر و حیله به تحریف آن پرداختند، چنان‌که قرآن کریم می‌فرماید:

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلْوُونَ أَلْسِنَتَهُمْ بِالْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَ
يَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ.
(آل عمران / ۷۸)

همانا برخی از اهل کتاب زبان خود را [به قرائت] کتاب تغییر و تبدیل می‌دهند تا آن را [که از پیش خود خوانده‌اند] از کتاب [خداد] محسوب دارید و هرگز آن از کتاب نخواهد بود و گویند: این [آیات] از جانب خدا نازل شده است؛ در صورتی که از جانب خدا نیست و به خدا دروغ می‌بنند با آنکه می‌دانند.

«يَلْوُونَ» از ماده «لَيْ» (بر وزن حَي) به معنای پیچیدن و کج کردن است و در اینجا کنایه از تحریف سخنان الهی است. آنها به هنگام تلاوت تورات وقتی به صفات پیامبر اسلام ﷺ و بشارت به ظهور ایشان می‌رسیدند، چنان ماهراهانه سخن را تغییر می‌دادند که شنونده گمان می‌کرد، آنچه را می‌شنود، متن آیات الهی است؛ بلکه به صراحت می‌گفتند: «هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ» درحالی‌که از سوی خدا نبود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۶۳۰ / ۲)

۷. شبه‌افکنی و ایجاد تردید

ایجاد تردید در قلوب مؤمنین و القاء شبهات اعتقادی یکی از روش‌های دشمنان در جنگ نرم است. آنچه مؤمن معتقد به حقیقت دین را به تلاش و مجاهدت در راه خدا و می‌دارد، یقین به حقانیت راهی است که انتخاب نموده است؛ چنان‌که اگر انسان به درستی راهی که می‌رود و اندیشه‌ای که دارد، ایمان کامل داشته باشد، آن مسیر را با قدم‌های استوار طی می‌کند و از خطرها و موانع موجود بر سر راه نمی‌هراسد و تا پای جان برای رسیدن به هدف مقدس خود تلاش می‌کند؛ اما اندکی شک و تردید کافی است تا فرد را در این مسیر دچار تزلزل نماید.

الف) ایجاد تردید در نبوت

یکی از مهم‌ترین راه‌های ایجاد شک در نبوت، مقایسه پیامبر با دیگران در مسائل مادی و ظاهری است و هدف از این مقایسه، همان ایجاد شک در نبوت ایشان است. قرآن کریم می‌فرماید:

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَى رَجُلٍ مِّنَ الْقَرِيبَيْنِ عَظِيمٍ. (زخرف / ۳۱)
و گفتند: چرا این قرآن بر مردمی بزرگ از دو شهر (مکه و طائف) نازل نشده است.

این افراد به جهت ایجاد شک و شبیه، خواستار معجزاتی از پیامبر بودند تا در صورت عدم امکان وقوع آنها، نبوت حضرت انکار شود. در حالی که اگر می‌خواستند ایمان بیاورند، بارها معجزاتی از حضرت صادر شده بود که برای تصدیق نبوت ایشان کافی بود. قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ آيَاتٌ مِّنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ * أَوَلَمْ يَكُنْهُمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتَلَوَ عَلَيْهِمْ. (عنکبوت / ۵۱ - ۵۰)

و گفتند: چرا معجزاتی از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است، بگو: «معجزات نزد خداست» من فقط بیم‌دهنده‌ای آشکارم؛ آیا اینان را کفایت نمی‌کند که این کتاب را بر تو فرو فرستادیم که بر آنها تلاوت می‌شود؟

هدف از ایراد این‌گونه سخنان، ایجاد تردید در دل هاست. چنان‌که بارها گفته‌اند ما به او ایمان نخواهیم آورد تا برای ما از زمین، چشم‌های جوشان پدید آورد یا کوه صفا را به طلا تبدیل کند. او نیز باید مثل موسی که دریا را شکافت و عصا را به ازدها تبدیل ساخت، معجزه‌ای آشکار و به دلخواه ما بیاور. (طبرسی، ۱۳۷۲ / ۸ : ۴۵۱)

ب) ایجاد تردید در وحیانی بودن قرآن

عبارتی که دشمنان در مورد نزول قرآن به کار می‌برند، حاکی از این شبیه افکنی‌هاست آنجا که قرآن کریم از زبان مخالفان می‌فرماید:

أَلْقَى الْذِكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنَنَا بَلْ هُوَ كَذَابٌ أَشَرُّ * سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَابُ الْأَشَرُ.
(قمر / ۲۶ - ۲۵)

(ای عجب) آیا از بین ما تنها بر او وحی رسید؟ نه! او مرد دروغگوی بی‌باکی است. زود باشد که فردا بدانند که دروغگوی بی‌باک کیست؟

در تفسیر آیه شریفه آمده است تعبیر به «القی الذکر» به جای «أنزل الذکر عليه» و یا نظریه آن، برای این بوده که بفهماند چگونه یک مرتبه و به عجله چنین شد؟ (آل‌وسی، ۱۴۱۵: ۸۸) با

انتخاب کلمه «القی» به جای انتزال از وحیانی نبودن قرآن سخن می‌گویند؛ نکته قابل توجه آن است که در تردیدافکنی نباید به طور مستقیم و صریح موضوع را انکار کرد؛ بلکه باید عبارت را طوری انتخاب نمود تا مخاطب به طور مستقیم دچار تردید نشود. کلمه «القی» این بار معنایی را به دوش می‌کشد و واژه «کذاب» تردید مخاطب را بیشتر می‌کند.

آنچه نویسنده کتاب آیات شیطانی در صدد اثبات آن است، ایجاد تردید و در ادامه تکذیب کامل وحی بودن قرآن کریم است. این اقدام به قدری خطرناک و فاجعه‌آمیز است که امام خمینی فتوای قتل نویسنده آن را صادر نمود. نگرش ناسوتی به وحی نیز که در ادامه همین مبارزه با کتاب مقدس قرآن قرار دارد، به طور موزیانه و با روندی نرم و آهسته به انکار وحی بودن قرآن می‌پردازد. عبدالکریم سروش در تعیین ماهیت وحی می‌نویسد: «پیامبری، نوعی تجربه و کشف بود ... هر جا سخن از تجربه می‌رود، سخن از تکامل تجربه هم درست است. شاعر، شاعر می‌شود، و سخنران با سخنرانی، سخنران تر، و این امر در هر تجربه‌ای جاری است ... پیامبر ﷺ نیز که همه سرماهی‌اش شخصیتیش بود، محل و موجد و قابل و فاعل تجارب دینی و وحی بود و بسطی که در شخصیت او می‌افتاد، به بسط تجربه و (بر عکس) منتهی می‌شد و لذا وحی، تابع او بود؛ نه او تابع وحی ... کامل‌تر شدن دین، خلاصه و عصاره تجربه‌های فردی و جمعی اوست. در غیبت پیامبر هم باید تجربه‌های درونی و برونی پیامبر بسط یابند و بر غنا و فربه‌ی دین بیفزایند ... اگر «حسبنا کتاب الله» درست نیست، حسبناً معراج الهی و تجربه النبي هم درست نیست». (سروش، ۱۳۷۸: ۱۳)

در نقد این دیدگاه باید گفت که اساساً وحی قرآنی با تجربه دینی تفاوت‌هایی دارد.

۱. تجربه دینی را می‌توان اساسی دانست که با علم حضوری درک می‌شود همانند محبت کودک به مادر خود؛ اما وحی نوعی القای معنا به پیامبر است که با وسائل الهی و توبه او و توسط جبرئیل حاصل می‌شود.

۲. تجربه دینی پیامبر ﷺ مخصوص زمان وحی نبود و همواره در این حالات معنوی وحی الهی را دریافت نمی‌کردند. پس وحی تابع پیامبر نبود؛ بلکه وابسته به شرایط و نیاز مسلمین به دریافت راهنمایی از طرف خدا بوده است.

۳. تجربه دینی، ایجاد و احساس می‌شود؛ درحالی که وحی نازل و دریافت می‌گردد و تعبیر قرآنی درباره وحی، این مطلب را تأیید می‌کند.

۴. در وحی، خداوند با پیامبر سخن می‌گوید (بقره / ۲۵۳) درحالی که در تجربه دینی، این ارتباط وجود ندارد.

۵. وحی ویژگی خاصی دارد که حتی به امامان معصوم هم «وحی» نمی‌شود و خاص پیامبران الهی است؛ در حالی که در تجربه دینی هر کسی می‌تواند این احساس را داشته باشد.

۶. اگر محتوای تجارب دینی به لفظ درآید، مطالب آن غالباً مبهم و قابل ارائه در چند گزاره محدود است مانند اینکه «من خدا را دوست دارم» یا «من به او وابسته‌ام» و ... ولی «وحی قرآنی» هزاران گزاره روشن در موضوعات مختلف اجتماعی، فردی، سیاسی، عبادی، اخلاقی، دینی و اخروی است. (ساجدی، ۱۳۸۳: ۴۴۰)

۸. مذهب علیه مذهب

هر انسانی دارای ارزش‌ها و شاکله ذهنی است که روح و جان او با آن ارزش‌ها خو گرفته است. اگر مطالبی که دیگران می‌گویند یا فعالیتی که انجام می‌دهند، تفاوت زیادی با شاکله ذهن فرد داشته باشد، ناخودآگاه آن را رد می‌کند؛ اما چنان که میان آنها قرابت و همانندی باشد، ذهن آن را می‌پذیرد و گاهی بدون تفکر درباره تفاوت مطلب ارائه شده با شاکله ذهن، آن را قبول می‌کند در این‌گونه موارد فرد دچار «خود فریبی» می‌شود و نمی‌تواند میان مطلب بیان شده و ارزش واقعی، تفاوت قائل شود. از این‌رو یکی از مسائل مهم در نبرد روانی، ارائه مطالب ضد مذهب در شکل و قالب دین و مذهب است. استفاده از عناوین و کلمات مذهبی مانند راه راست و رشد، سوگند به مقدسات دینی، ساختن مسجد و ادعای بندگی خدا از شیوه‌های مخالفان برای عرضه مقصود خود و ضربه زدن به دین است؛ چنان که فرعون خود را منادی راه رشد و سعادت می‌خواند و می‌گفت: «وَمَا أَهْدِيْكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشادِ؛ (غافر / ۲۹) و شما را جز به راه راست، راهبر نیستم.» منافقان با سوگندهای دروغین و با به میان آوردن ارزش‌ها و مقدس شمردن آنها، سپری برای خود ایجاد می‌کنند و در پناه آن، بزرگ‌ترین ضربه را به اسلام وارد می‌سازند. چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

اَئَخَذُوا اَيْمَانَهُمْ جُنَاحَهُ فَصَدُوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ. (مجادله / ۱۶)
سوگندهای خود را [چون] سپری قرار داده بودند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند و [در نتیجه] برای آنان عذابی خفت‌آور است.

همچنین برای خالی کردن پشت جهادگران، حفظ عفت و پاک‌دامنی زنان را که از اصول مسلم اسلام است، وسیله‌ای برای فرار از جبهه قرار دادند و با کاهش نیروهای رزم‌مند و تضعیف روحیه رزم‌مندان و تقویت روحیه سپاه دشمن، خواهان پیروزی سپاه کفر بر اسلام بودند. چنان که قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

يَقُولُونَ إِنَّ بَيْوَتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ. (احزاب / ۱۳)
می‌گفتند: خانه‌های ما بی‌حافظ است ولی خانه‌هایشان [آ] بی‌حافظ نبود.

۹. تضعیف روحیه

مخالفان انبیا از راههای مختلف در تضعیف روحیه طرفداران حق تلاش می‌نمودند. انبیا همواره کوشیده‌اند تا روحیه نیروهای مؤمن را بالا برند. پیامبر اسلام ﷺ در جنگ احزاب جهت تقویت روحیه لشکر اسلام به ایراد سخن پرداختند؛ ولی منافقان برای تضعیف روحیه مؤمنان، پیامبر ﷺ را به فریب دادن نیروها متهم کردند. قرآن کریم می‌فرماید:

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ الْأَغْرُورُوا. (احزاب / ۱۲)
و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: خدا و فرستاده‌اش جز فریب و عده‌ای به ما نداده است.

پیامبر ﷺ هنگام حفر خندق، وعده پیروزی می‌داد در این هنگام منافقان نگاهی به هم کردند و گفتند: «ما داریم برای خودمان خندق می‌کنیم و او به ما وعده قصرهای فارس و روم را می‌دهد.» (ابن کثیر، بی‌تا: ۳ / ۱۹۴) از دیگر نمونه‌های تضعیف روحیه، دادن آمار مأیوس کننده از دشمنان دین است. قرآن کریم ضمن اشاره به این نکته راه خنثی نمودن آن را نشان داده است: «کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: مردمان برای جنگ با شما گرد آمده‌اند؛ پس از آنان بترسید و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: خدا ما را بس است و نیکو حمایتگری است». (آل عمران / ۱۷۳)

راهکارهای مقابله با جنگ نرم

کنترل منابع قدرت نرم دشوار است؛ اما تاثیر آن تا حدود بسیار زیادی بستگی به پذیرش مخاطبان دارد. به همین دلیل توجه و ارتقاء قدرت نرم موجود در جامعه اسلامی، عمدۀ راهکاری است که تلاش دشمنان را خنثی خواهد نمود. در برابر جنگ نرم دشمنان، دو راه وجود دارد: تسليم یا مقابله. اسلام راه اول را نمی‌پذیرد و کوچکترین تسامح در امر دین که موجب تضعیف یا نابودی آن شود را مردود می‌شمارد؛ زیرا تسليم از موضع ضعف صورت می‌گیرد و اسلام و مسلمین - چنان‌که تابع شرع مقدس باشند - در موضع قدرت قرار دارند. «وَ لَا تَهْنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنَّ كُنْثُمْ مُؤْمِنِينَ (آل عمران / ۱۳۹)؛ سستی نکنید و غمگین نشوید که شما برترید، اگر مؤمنید».

نه تنها توان مقابله در مؤمنین وجود دارد؛ بلکه اسلام به قدری قدرتمند است که اگر مسلمین

نسبت به آن آگاهی داشته باشند و در عمل به آن ملتزم باشند، قادر خواهند بود اسلام را در سراسر جهان مستقر سازند؛ همان‌گونه که با ظهور حضرت ولی‌عصر^{ره} این اتفاق خواهد افتاد؛ کتاب خدا و آثار دین زنده خواهد شد، بناهای شرک و نفاق ویران، شاخه‌های گمراهی و اختلاف بریده، اولیاء الہی عزیز و دشمنان ذلیل خواهند شد.

۱. توجه به تعالیم دین و رهبران آسمانی

در قرآن، علوم گذشته و اخبار آینده آمده است، دوای دردها و نظم امور در قرآن است. (*نهج‌البلاغه*: خطبه ۱۵۸) قرآن قادری است که یاورانش شکست ندارند و حقی است که مددکارانش خوار نمی‌شوند. (همان: خطبه ۱۹۸) قرآن کریم ضمن بیان مشکلات فردی، اجتماعی، سیاسی و ... همواره راه حل مناسب معضل را به نیکوترین شکل بیان نموده است؛ اگر از تحقیر و استهزا، تضعیف رهبری، شایعه‌پراکنی، تفرقه‌افکنی و ... سخن می‌گوید، با بیان‌های گوناگون و شیوه، راه‌های مقابله با آنها را نیز مطرح می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که مسلمین را از هر منبع اطلاعاتی دیگر غنی می‌گرداند. سخنان و رفتار پیامبر^{صل} و اهل بیت^{علیهم السلام} نیز مبین قرآن کریم می‌باشد. ولايت پیامبر^{صل} و ائمه اطهار^{علیهم السلام} در عصر غیبت است. بدون شک رهبری فقیه، قدرت عظیمی به مسلمانان می‌دهد. مقصود از ولايت و سرپرستی فقیه، ولايت هر عالم یا مجتهدی نیست؛ بلکه شرایط خاصی دارد. «فقیه» در بحث ولايت فقیه کسی است که دارای سه ویژگی مهم باشد: ۱. صدر و ساقه اسلام را به‌طور عمیق و با استدلال و استنباط بشناسد؛ ۲. همه حدود و خوابط الہی را رعایت نماید؛

۳. استعداد و توانایی مدیریت کشور و لوازم این امر را داشته باشد. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۱۳۶)

به عنوان نمونه قرآن، راه شناخت شایعات را برگرداندن آنها به رسول و اولی‌الامر می‌داند و تبعیت کورکورانه و پخش شایعاتی که نظر رسول و اولی‌الامر در آن استنباط نشده است را تبعیت شیطانی می‌شمارد. (نساء / ۸۳)

۲. بصیرت

اهمیت بصیرت بدان پایه است که خداوند خطاب به پیامبر^{صل} در دوران دشوار مکه می‌فرماید: «قُلْ هَذِهِ سَبَبَلِي أَذْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي؛ (یوسف / ۱۰۸) بگو: این است راه من، که من و هر کس مرا پیروی کرد، با بصیرت بهسوی خدا دعوت می‌کنیم.» حتی خود پیامبر^{صل} با بصیرت حرکت می‌کند و یاران ایشان هم با بصیرت به دفاع از پیامبر^{صل} و تبلیغ دین می‌پرداختند. امیرمؤمنان^{علیهم السلام} در جنگ صفين مقابل کفار قرار نداشت. نیروهای جبهه مقابل نماز می‌خوانند و

ظواهر اسلام را رعایت می‌کردند. حقیقت بسیار مظلوم واقع شده بود؛ زیرا ظواهر شرعی جبهه کفر، مردم را متحیر کرده بود و عده‌ای در جبهه حق در تردید بودند که آیا می‌توان به روی برادران دینی خود در سپاه معاویه شمشیر کشید؟ هم علی ^{عليه السلام} و هم معاویه صحابه پیامبر ^{عليه السلام} بودند. هر دو نماز می‌خواندند و هر دو اذاعی دفاع از اسلام را داشتند. (اتابکی، ۱۳۷۵: ۴۴۰) و این بصیرت بود که نجات‌بخش یاوران علی ^{عليه السلام} گردید.

۳. توجه به کارکرد خانواده

در جنگ نرم بیشترین استفاده از عواطف و احساسات برای نفوذ در افکار و اندیشه‌ها جهت تغییر باورها صورت می‌گیرد و ارکان اساسی و مسلم اعتقادهای دینی جامعه، به آرامی از سوی دشمنان مورد هجوم واقع می‌گردد تا به تدریج به تغییر اساسی در باورها و اعتقادها بینجامد؛ از این‌رو نقش خانواده به عنوان یکی از مراکز قدرت نرم بسیار مهم و اساسی است. وقتی مؤثرترین کانون مهر و محبت و سلامت جسمی و روحی جامعه؛ یعنی خانواده بتواند با بهره‌گیری از دستورهای قرآن کریم، فرزندانی مؤمن و سالم تحويل جامعه دهد، بی‌تردید آن جامعه در برابر هر تهاجمی اعم از جنگ سرد و جنگ نرم بیمه خواهد شد. قرآن کریم تاکید می‌کند که همگان باید مراقب خود و اعضای خانواده خود باشند و آنان را از هر آنچه موجب هلاکشان می‌گردد حفظ و حراست نمایند؛ آنجا که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوْا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِكُمْ نَارًا وَقُوْدُهَا النَّاسُ وَالْجِحَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ
غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمْرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمِرُونَ. (تحریم / ۶)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود و خویشانتان را از آتشی که هیمه آن مردم و سنگ‌هast نگه دارید، آتشی که فرشتگانی بر آن گمارده شد که خشن و سختگیرند و هرگز فرمان خدا را مخالفت نمی‌کنند و آنچه را فرمان داده شده‌اند (به طور کامل) اجرا می‌نمایند.

در این میان نقش مادر به عنوان کانون مهروزی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

۴. تقویت روحیه و افزایش فضای فعال

شرایط روحی آن قدر مهم است که عامل ایجاد برخی بیماری‌ها یا باعث بهبود بعضی از امراض می‌گردد. امروزه این روش در کنار تجویز دارو مورد استفاده قرار می‌گیرد. قرآن کریم به امت اسلامی روحیه می‌دهد و تاکید می‌کند که با ایمان قوی بیست نفر صابر بر دویست نفر و صد نفر بر هزار نفر

غلبه می‌کند. (انفال / ۶۵) قرآن کریم، مؤمنان را از سستی، حزن و اندوه که عامل تضعیف روحیه است بر حذر می‌دارد و می‌فرماید:

وَ لَا تَهِنُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمُ الْأَغْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ. (آل عمران / ۱۳۹)

اگر ایمان دارید هرگز (در کار دین) سستی نکنید و اندوه‌ناک نباشید در حالی که شما برترید.

۵. صبر و تقوی

از موارد قدرت نرم برای مقابله با جنگ نرم دشمن، صبر و تقوی است. صبر باعث می‌شود، در فضای غبارآلود فتنه، توان و فرصت تفکر و اتخاذ تصمیم حکیمانه به وجود آید و فرصت قانع ساختن افراد ناگاه توسط اندیشمندان فراهم شود؛ زیرا در شرایط التهاب و اضطراب، امکان ارزیابی درست از اوضاع و تبیین مسائل وجود ندارد. (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۶۰) تصمیم‌گیری و عمل عجلانه و تسليیم در برابر دشمن، همان هدفی است که دشمن به دنبال آن است. آیه ۱۸۶ آل عمران بهترین و استوارترین راه در امان ماندن از فتنه‌ها و مقابله با توطئه‌های دشمن را رعایت صبر و تقوی می‌داند و می‌فرماید:

وَ لَسْمَعْنَ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَ مِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذْنِيَ كَثِيرًا وَ إِنْ تَصْبِرُوْ وَ تَتَقْوَ فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأَمُورِ.

قطعاً در مال‌ها و جان‌هایتان آزموده خواهید شد و از اهل کتاب و مشرکان آزار بسیاری خواهید شنید [ولی] اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید و این حاکی از عزم [استوار] شما در کارهاست.

رعایت تقوی؛ یعنی در فضای فتنه، تمام تصمیم‌ها براساس خداترسی باشد و از چارچوب قوانین الهی خارج نشود. با مسخره کنندگان دین و مؤمنین همراه نشود، از رهبری دینی حمایت کند، به شایعات دامن نزند، از جاده عفت خارج نشود، به سخنان گمراه کننده دشمن گوش فرا ندهد و بدون تحقیق به افراد تهمت نزند. برای رعایت تقوی، «صبر» لازم است؛ زیرا صبر بر گناه موجب تقوی الهی می‌شود. اگر انسان نتواند در برابر طعنه‌های دیگران صبر کند، هرگز نخواهد توانست تقوی را رعایت نماید. اگر انسان نتواند در برابر هوای نفس خود مقاومت کند، از جاده بندگی خدا خارج خواهد شد. از این‌رو، صبر و تقوی دو عامل قدرت‌بخش در برابر هجوم دشمن است که بنا به فرمایش امام علیؑ «کسی که تقوی پیشه کند، خداوند راه خروج از فتنه‌ها و چراغ هدایتی در ظلمت‌ها را در اختیار او قرار می‌دهد». (نهج‌البلاغه: خطبه ۱۸۳)

۶. تقویت دانش دشمن‌شناسی

دشمن‌ستیزی از مؤلفه‌های اصلی قدرت نرم است. قرآن کریم همواره به این نکته مهم تاکید می‌ورزد. چنان‌که در سوره فتح می‌فرماید: «**مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشْدَاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحْمَاءُ بَيْنَهُمْ**» (فتح / ۲۹) محمد فرستاده خداست و یاران (و همراهانش) بر کافران بسیار سرسخت و با یکدیگر بسیار مهربانند.» زیر بنای دشمن‌ستیزی، تقویت دانش دشمن‌شناسی است. هر انسانی برای خوب زیستن، نیازمند دو نوع آگاهی است؛ آگاهی از خوبی‌ها و آگاهی از بدی‌ها. اگر کسی بخواهد در مسیر حق استوار بماند، نیازمند شناخت راه باطل و باطل‌گرایان است. (شریفی، ۱۳۸۹: ۲۰۸) خدای متعال با تقویت دانش دشمن‌شناسی، راه حق را نشان می‌دهد:

﴿فَقُلْنَا يَا آدَمَ إِنَّهُ أَدْعُوكَ وَإِلَّرْجِنِكَ فَلَا يُخِرِّجُكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَقَسْقُنَىٰ﴾. (طه / ۱۱۷)

پس گفتیم: ای آدم، همانا این (ابلیس) دشمن تو و همسر توست، پس مبادا شما را از این بهشت بیرون کند پس در رنج و زحمت (اداره زندگی) افتی.

۷. احیای امر به معروف و نهی از منکر

یکی از اهداف مهم دشمن در جنگ نرم، ایجاد روحیه بی‌تفاوتی و تساهل در جامعه است که پیامدهایی چون گسترش فساد، حاکمیت مفسدان، نابودی عفت و حیا و دینداری به دنبال دارد. از راهکارهای اساسی مقابله با این توطئه دشمنان و تقویت روحیه نظارت همگانی و امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد. (عیسی‌زاده، ۱۳۹۲: ۶۰) بی‌جهت نیست که معیار برتری این امت بر دیگر امته‌ها، امر به معروف و نهی از منکر نمودن آنهاست. (آل عمران / ۱۱۰) چنان‌که امیرمؤمنان علیؑ فرمود:

امربه معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اشاره بر شما مسلط می‌شوند و بعد از
آن هرچه دعا کنید مستجاب نمی‌شود. (نهج‌البلاغه: نامه ۴۷)

۸. توجه به عوامل وحدت‌بخش

از دیگر راهکارهای مقابله با جنگ نرم، توجه به اتحاد و همبستگی و پرهیز از هرگونه اختلاف و تفرقه در میان امت اسلام است. قرآن کریم می‌فرماید: «وَ لَا تَنَازَعُوا فَتَنَشَّلُوا وَ تَذَهَّبَ رِيحُكُمْ؛ (انفال / ۴۶) و با هم نزاع و ستیزه مکنید که سیستمی گردید و تسلط و حکومتتان از میان می‌رود.» مهم‌ترین عوامل موثر در ایجاد وحدت اسلامی عبارتند از:

یک. پرهیز از تکفیر صاحبان فرقه‌های اسلامی: قرآن کریم مؤمنان را از برخورد نامناسب با کسانی که اظهار ایمان می‌کنند، باز می‌دارد و می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ تَقْبِيئُوا وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ أَقْرَى إِلَيْكُمُ السَّلامَ لَكُمْ سَلَامٌ (نساء / ۹۴)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که در راه خدا (برای جهاد) سفر کردید خوب بررسی و تفحص نماید و نسبت به کسی که به شما سلام دهد و اظهار اسلام کند مگویید مؤمن نیستی.

دو. توجه به حقوق اجتماعی دیگران: از آنجا که ریشه برخی از منازعات اجتماعی و سیاسی احساس تبعیض و بی‌عدالتی می‌باشد، لازم است حقوق قانونی همه مردم، محترم شمرده شود. قرآن کریم زمینه جهاد و دفاع را به عنوان پیشگیری از انهدام صومعه‌ها، کلیساها، کنیسه‌ها و مساجد ذکر می‌کند و مدلول الترامی این سخن، احترام به مذاهب و آزادی انسان در مقام عبودیت و پرستش خداوند است. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۶ / ۸۴)

سه. اطاعت از رهبری: یکی از عوامل بسیار مهم که در وحدت‌بخشی امت اسلامی نقش اساسی دارد، اطاعت از انبیای الهی و رهبران و حاکمان دینی است. این امر مورد تأکید قرآن کریم است؛ آنجا که می‌فرماید:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِبُّو اللَّهَ وَ أَطِبُّو الرَّسُولَ وَ أُولُى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا. (نساء / ۵۹)

۹. امید به آینده

ادامه هر راهی با امید میسر است. قرآن کریم همواره امت اسلامی را به امیدواری به وعده‌های الهی فرا می‌خواند تا جایی که وعده قطعی بر پیروزی و غلبه اسلام می‌دهد و می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الْدِينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. (توبه / ۳۳)

اوست کسی که رسول خود را به هدایت فرستاد تا بر همه ادیان عالم برتری دهد. هر چند مشرکان کراحت داشته باشند.

۱۰. تقویت بعد نظامی

از ویزگی‌های قدرت نرم، وابستگی آن به قدرت سخت است. اگر نسبت به ارتقاء سطح قدرت

سخت بی توجهی شود، حفظ هویت دشوار خواهد بود. قرآن کریم می فرماید:

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا أَسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رَبَاطِ الْخَيْلِ ثُرْبَيْوَنَ بِهِ عَدُوُ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ.

(انفال / ۶۱)

در مقام مبارزه تا آن حد که بتوانید نیرو فراهم کنید. (از تسلیحات و) اسباب سواری، تا با آن دشمن خدا و دشمن خود را بترسانید.

نتیجه

قرآن برای هدایت انسان فرستاده شده است و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در قرآن کریم آمده است. جنگ نرم دشمن را باید جدی گرفت؛ همچنان که قرآن کریم آن را مهم دانسته و به جزئیات آن پرداخته است. باید با اتكاء به منابع قدرت نرم، فراتر از ایستادگی در برابر دشمن، اسلام را در سراسر دنیا گسترش داد. به جای منفعل شدن و بر طبل سازش کوییدن، باید نقش خود را به صورت فعال ایفا نمود. سرتاسر جهان اسلام باید تحت هدایت رهبری واحد قرار گیرد تا هم وحدت اسلامی تحقق یابد و هم از تحلیل قدرت عظیم مسلمین به واسطه انحراف و ضعف ایمان برخی سران و رهبران جلوگیری شود.

مراجع و مأخذ

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ۱۳۷۹، گردآوری سید رضی، ترجمه محمد دشتی، قم، شاکر.
- آلوysi، شهاب الدین سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دار الكتب العلمية.
- ابن کثیر، ابوالقداء اسماعیل، بی تا، السیرة النبویة، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار صادر.
- اسکندری، حمید، ۱۳۸۹، پدآند غیر عامل، تهران، معاونت تربیت و آموزش بسیج.
- بزرزنی، عبدالله، ۱۳۸۷، تدریت نرم سرمایه اجتماعی بسیج، تهران، پژوهشکده مطالعات و تحقیقات بسیج.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، ولايت فقهیه ولايت فقاہت و عدالت، قم، اسراء.
- حائری، میر سید علی، ۱۳۷۷، مقتنيات الدرر و ملقطات الشمر، تهران، دار الكتب الاسلامية.

- ساجدی، ابوالفضل، ۱۳۸۳، زبان دین و قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی فاطمی.
- سروش، عبدالکریم، ۱۳۷۸، بسط تجربه نبوی، تهران، مؤسسه فرهنگی صراط.
- سیوطی، جلال الدین و جلال الدین محلی، ۱۴۱۶، تفسیر جلالین، بیروت، مؤسسه التور.
- شریفی، احمد حسین، ۱۳۸۸، موج فتنه، تهران، کانون اندیشه جوان.
- ———، ۱۳۸۹، جنگ نرم، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی فاطمی.
- طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۷، جوامع الجامع، تهران، دانشگاه تهران.
- طوسی، محمد بن حسن، بی تا، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- عیسیزاده، عیسی، ۱۳۹۲، قرآن و راههای مقابله با جنگ نرم، قم، زمزم هدایت.
- فضل الله، سید محمد حسین، ۱۴۱۹ق، تفسیر من وحی القرآن، بیروت، دار الملا.
- فیض کاشانی، ملام محسن، ۱۴۱۵ق، تفسیر صافی، تهران، صدر.
- متفکر، حسین، ۱۳۸۷، جنگ روانی، قم، زمزم هدایت.
- مراغی، احمد مصطفی، بی تا، تفسیر المراغی، بیروت، دار احیاء التراث العربي.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الكتب الاسلامية.
- منقری، نصر بن مزاحم، ۱۳۸۶، وقعة صفين، ترجمه پرویز اتابکی، تهران، انتشارات علمی فرهنگی.